



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۳۱

عبدالله

## افشای رازی که در اصل راز نبود گزارش از «هیچی لیکس» قسمت دوم و آخر

در مورد کشتار اعضای خانواده توسط شهید ویس داوود ، از زبان خانم گلالی داوود چنین نقل شده :  
«ویس آمد به اتاق درون، اول بالای کسانی که پیش رویش و نزدیک دروازه بودند، فیر کرد یعنی اول بالای زن خود و بعد بالای دو پسر خورد سال خود فیر کرد.... ویس بعد از آن، تفنگش را طرف من گرفت، من برایش گفتم که به روبم نزن، او به شکم من و دخترم هیله که هر دو در پهلویش شیم (خانم ویس) نشستیم بودیم، فیر کرد و بعد تا که توانست از بین برد.»

(اگر این روایت از قول راوی درست باشد)

۱- خانم گلالی داوود، در مورد هدف کشتار، حدس می زند. « .. میخواست زن ها به دست دشمن نیفتند. و شاید بابۀ ویس برایش گفته باشد که نمان که کسی به دست دشمن بیفتد. » در این گفته تلاش شده تا پای داوود خان به این کشتار کشانیده شود.

زبیت داوود خانم محترم داوود خان همانجا در پهلویش ایستاده بود. اگر داوود خان میخواست خانمها بدست دشمن نیفتد منطقاً اول خانمش را از بین می برد.  
دگر اینکه اگر قرار بود خانمها از بین برده شوند، چرا ویس، اول دو پسرش را کشت؟ آنها نه زن بودند و نه دختر. عقل و منطق هم چیزی خوبی ست.

۲- این خانم در مورد کشته شدن شهید ویس داوود ، هم حدس میزند « شاید در این وقت بالای ویس هم از پشت فیر شده باشد و ... » در حالیکه ، به گفته خودش ، او ( ویس ) در مقابلش ایستاده و مشغول « کشتار؟ » بوده است. اگر از عقب به ویس فیر می شد، مگر او ، که چنان به دقت اوضاع را زیر نظر داشت ، نمی دید؟  
از زبان این خانم آورده شده که « ویس آمد به اتاق درون، اول بالای کسانی که پیش رویش و نزدیک دروازه بودند، فیر کرد یعنی اول بالای زن خود و بعد بالای دو پسر خورد سال خود فیر کرد. »  
نظر به گفته خود این خانم ، خودش در جریان این حوادث ، پهلویش شهید شیم (خانم ویس) نشستیم بوده است. تمام کسانی که نظامی بوده اند و یا بشکلی با استعمال اسلحه سرو کار دارند ، می دانند که از فاصله نزدیک و در حال ایستاده، زدن هدف توسط کلاشنیکوف ( مخصوصاً برای کسانی که هیکل قوی و تعلیمات مخصوص نداشته باشند ) ناممکن است. این بخاطر به اصطلاح عسکری ( پس لگدی ) یی این سلاح است. این پس لگدی باعث می شود تا میله تفنگ به بالا ، پایین ، چپ یا راست انحراف کند.  
با در نظر داشت این حقیقت ، اگر بپذیریم که ویس میخواست خانمش را هدف قرار داده فیر کند ، بدون شک حد اقل یکی از این مرمی ها به خانم گلالی که در پهلویش نشستیم بوده، اصابت می کرد.  
فرق بین فلم و واقعیت از زمین تا آسمان است.  
با تفنگ کلاشنیکوف و در حال ایستاده از فاصله نزدیک زدن فقط به شکم کسی ( مخصوصاً فردی که نشستیم باشد ) امکان ندارد بخصوص که فیر کننده تعلیمات خاص در مورد استفاده از این سلاح را نداشته و زیر استرس شدید هم باشد.

د پاپو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پزوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

توجه بفرمایید. نظر به روایت ، خانم گلالی، او از ویس میخواهد که بجای صورت به شکمش فیر کند. این خانم نشسته و سر شوهرش را روی زانو دارد. طبعاً سر شهید عمر قسمتی از شکم را پوشیده است پس برای ویس فقط چند سانتی متر جا می ماند تا شکم را هدف قرار بدهد.

زدن هدف به داخل یک محیط چند سانتی متر مربع ، با کلاشنیکوف از فاصله نزدیک در حال ایستاده و توسط یک آدم بی تجربه ناممکن است. بدتر از آن زدن به شکم کوچک یک طفل.

بر اساس توضیحات تخنیکی که در بالا ذکر شد ، این داستان غیر از تخیل و توهم هیچ اساس منطقی ندارد. مهمتر از همه، خانم گلالی از بیان این داستان در حضور خانم نصیبه اکرم حیدری ، در منزل خودش ، انکار نموده و آنرا دروغ خوانده است.

«بعد از صرف غذا من از اتهامات داود ملکیار به ایشان یادآور شدم و از ایشان پرسیدم که: "ممکن است شما چنین صحبتی با ایشان داشته اید؟" بیدرنگ با تندی بسویم نگریست و گفت: "نه... این پسر کاکای من انسان پست است... من هیچگاهی چنین نگفته ام... این حقیقت نیست... ویس این کار را نکرده."

[heidari\\_n\\_etehamat\\_d\\_malekyar\\_raje\\_ba\\_shahadat\\_famil\\_daud\\_khan.pdf](http://heidari_n_etehamat_d_malekyar_raje_ba_shahadat_famil_daud_khan.pdf)  
( [afghan-german.net](http://afghan-german.net) )

افشاگر « راز » چنان زیر تأثیر احساسات عقده مندانه اش قرار دارد که حتی نوشته خودش را هم دوباره خوانی و تحلیل نمی کند. او می نویسد « ... گپ های گلالی داوود از هفته های اول بعد از کودتای ثور تا امروز یعنی 45 سال بعد، هیچ تغییری نکرده است » .

یادش رفته که قبلاً ، در ارتباط با کشته شدن شهید داوود خان ، چنین نوشته بود «از او پرسیدم که داوود خان چگونه کشته شد؟ گلالی جان بدون فکر کردن چنین جواب داد: "وقتی خلقی ها در آمدند، به خیالم باباه داوود خود را همراهی تنگچه کشت."

در حالیکه قبلاً از زبان همین خانم آورده شده ،

« در صحبت های سابق، همان شکل رسمی و معروف را تکرار میکرد که کودتاچیان به دروازه عمارت رسیده و از داوود خان خواسته بودند که تسلیم شود و داوود خان قبول نکرده و بالای شان با تفنگچه فیر نموده بود. و بعد کودتاچیان با فیر های متقابل همه را از بین برده بودند. »  
این دو داستان کاملاً متفاوت و متضاد ، از نظر آقای ملکیار هیچ تغییری در گفته های گلالی جان نیست.

آقای داوود ملکیار ، بدون کوچکترین تأمل و تعقل ، هر آنچه با تیوری بی کینه توزانه و بی بنیادش همخوان می نماید را به عنوان سند و تأییداعایش آورده است. توجه کنید به شیوه جمع آوری اسناد توسط این « ژورنالیست ورزیده و مسلکی ، محقق و نویسنده»

دقیقاً زمانیکه آقای داوود ملکیار مشغول اکتشافات در مورد « افشای راز بزرگ » ، چگونگی بی قتل اعضای خانواده شهید محمد داوود است « تصادفاً » « هموطنی » از آلمان به ایشان زنگ می زند و قصه می کند که « چند سال قبل « در منزل خواهرش ، از زبان کسی بنام « طاهره جان » سر پرستار سابق شفاخانه جمهوریت که فعلاً مقیم هالند می باشد، شنیده است که اعضای خانواده، بشمول گلالی جان (سنوی داوود خان) به نامبرده ( طاهره جان ) حکایت نموده اند که ویس پسر داوود خان مستقیماً به هدایت پدرش ( داوود خان) تصمیم گرفت که خانم ها را از بین ببرد تا بدست دشمن نیفتند.

آقای داوود ملکیار به صفت یک محقق مسوول و با سابقه و یک ژورنالیست ورزیده ، بدون لحظه تأمل و تحقیق در مورد صحت معلومات ، به آن هموطن اطمینان می دهد که این گفته ها را در جمع « اسناد » خواهد افزود، و چنان می کند.

برای اطمینان به اطلاعات ( مخصوصاً در مورد حادثه قتل یک رئیس جمهور و خانواده اش ) اول باید داده ها دقیقاً بررسی ، تحلیل و حقیقت یابی شود.

مثلاً:

۱- این « هموطن » کیست ؟ و چرا این اطلاعات را، در همین زمان مشخص ، بعد از چند سال در اختیار نویسنده گذاشته؟

۲- چون اطلاعات از زبان شخص سوم نقل شده ، باید اطمینان حاصل شود که واقعاً فردی بنام طاهره وجود دارد یا نه ؟ و او ( طاهره ) در همان زمان ، سر پرستار بوده؟

- ۳- اگر واقعا ظاهره وجود دارد و در همان زمان ، سر پرستار بوده ، باید با تماس مستقیم با او ، از تأیید و یا تردید اطلاعاتی که از زبان او نقل شده ، پرسیده شود.
- ۴- اگر او درستی یی اطلاعات را تأیید کرد باید از او پرسیده شود که ، دگر افراد خانواده که شما ذکر کرده‌اید، کی‌ها بودند که این معلومات را به شما دادند؟
- ۵- آیا این معلومات فقط به شما گفته شده یا کسان دیگری هم آن را شنیده اند؟ اگر شنیده‌اند آن اشخاص کی‌ها بودند و چطور می‌شود به آن‌ها دسترسی پیدا کرد؟
- بعد از دریافت جواب این سؤال‌ها مرحله تحلیل اطلاعات می‌رسد.

- ۱- چرا اعضای خانواده این اسرار را به او گفتند؟ او که یک نرس بود نه خانونال؟
- ۲- چرا هیچ یک از اعضای خانواده ، که در صحنه حضور داشتند ، در هیچ جای دگر از این مساله یاد نکردند؟ بجز خانم گلالی .
- پذیرفتن هر اطلاع یا خبر ، بدون تحقیق و حقیقت یابی، به صفت سند معتبر ، کاریست غیر علمی ، غیراصولی و حتی غیراخلاقی . برای روشنی یی موضوع مثلاً می‌آورم.
- شخصی کشته می‌شود . شخص دیگری به پولیس مراجعه نموده به انجام آن قتل اعتراف می‌کند . اعتراف این شخص به تنهایی یی خود بدون تأیید منابع مستقل و معتبردیگر و یا ثبوت تخنیکي هرگز، در هیچ محکمه مستقل ، مبنای اصدار حکم نمی‌شود.
- پس چطور می‌شود، گفته‌های کسی را که از زبان کس دیگر و آن شخص از زبان شخص چهارم چیزی بگوید ،(بدون هیچ نوع تحقیق) بصفت سند وثبوت به خورد مردم داد؟

### چگونگی یی قتل داوود خان

آقای داوود ملکیار ، لجویانه ، برای اثبات باورش مبنی بر اینکه داوود خان توسط خلقی ها نه بلکه خود به زنده گی اش خاتمه داده است ، تلاش می‌کند. او دلایل را جمع بنیدی نموده می‌نویسد:

« به اساس دلایل فوق و آنچه گلالی جان به آن اشاره کرده و هم با در نظر داشت گفتار داوود غازی نواسه داوود خان که در کتاب غوث الدین فایق، نقل شده و علاوه بر آن، با توجه به خبر منتشره در روزنامه اطلاعات ایران، خود کشی داوود خان در آخرین ساعات، با فیر تفنگچه خودش، بیشتر محتمل و قابل باور میگردد. »

اکنون می‌پردازم به یک یک این « دلایل »

- ۱- گفته خانم گلالی « "وقتی خلقی ها در آمدند، به خیالم بابیه داوود خود را همراهی تفنگچه کشت." این گفته فقط یک حدس و خیال است و بس .مزید بر آن ، این گفته خانم گلالی به آنچه وی ، قبلاً در طول چهل سال، بار بار تکرار کرده است مطلقاً در تضاد می‌باشد. پس هیچ عقل سلیمی نمیتواند آن را به مثابه یی سند بپذیرد.
- ۲- نقل قول از آقای داکتر حسن شرق، از کتاب "کرباس پوشان برهنه پا" که نوشته
- « داوود خان در نیمه شب 26 سرطان که هنوز به مؤفقت کودتا اطمینان نداشت، تفنگچه خود را بدست من داده و گفت که در صورت ناکامی کودتا، با این تفنگچه مرا از بین ببر، تا زنده بدست حکومت و سردار عبدالولی، دستگیر نشوم.»

این متن، درست برعکس برداشت آقای ملکیار ، به وضوح نشان میدهد که داوود خان در فکر خود کشی نبوده است. اگر می‌بود تفنگچه اش را به داکتر شرق نمی‌داد. شهید داوود خان مرد متقی و بسیار متدین بود و بخوبی میدانست که خودکشی در اسلام از جمله گناهان کبیره است.

دومین سند شان هم باطل است.

۳- خبر منتشره روزنامه اطلاعات ایران.

اگر این خبر درست می‌بود ، تاس که بزرگترین آژانس خبری یی شوروی بود، گام به گام کودتا را تعقیب می‌کرد و از تمام اطلاعات در درون با خبر بود ،باید اول و با افتخار این خبر نهایت مهم را نشر می‌کرد و روسیاهی یی تاریخ را ( بقول کشتمند ) از

« انقلاب » شان پاک می‌کرد.

چطور روز نامه اطلاعات ایران ، فرسنگ ها دور از این خبر اطلاع یافت و آن را پخش کرد؟ برای فهم نادرست بودن این خبر ، میتوان به خبر دوم در همین شماره اطلاعات توجه کنید.

« بیشتر اعضای خانواده داوود خان در کنسولگری فرانسه به قتل رسیدند»

عکس دیگری از این روزنامه را با اخبار متفاوت، از جریانات آنروز و ، امکان کشته شدن داوودخان و خانواده اش توسط کودتاچیان را، در پایان می‌گذارم .

مطالب این روزنامه به هیچ وجه قابل اعتبار نبوده و هرگز سندی، جز دروغ پراگنی ، شده نمی تواند.

نوشته « محمد داوود و خانواده اش چگونه کشته شدند؟ » چنانچه مفصلاً توضیح داده شد ، غیر از یک مشت ادعا های بی بنیاد و غیر مستند برای اقناع روح کینه توزانه نویسنده چیزی دیگری نیست.

آقای داوود ملکیار بخاطر به کرسی نشاندن ادعا ها غیر واقعی خود از هیچ چیز حتی جعل اسناد دریغ نکرده است.

توجه بفرمایید به یکی از دلایل شان در مورد تأیید « خودکشی یی داوود خان؟ » .

« ..... و هم با در نظر داشت گفتار داوود غازی نواسه داوود خان که در کتاب غوث الدین فایق، نقل شده » و برای مستند سازی یی گفته‌اش این عکس از پشتی یی کتاب و متن مربوط را نشر کرده است .



قبل از این از همین افسران کمونیست های گارد چند نفر مسلح به نزد رئیس جمهور آمده گفته بودند که ما به امر شورای انقلابی آمده ایم که شما از مقاومت دست کشیده بشورای انقلابی تسلیم شوید. آنها مورد قهر و غضب سردار محمد داود قرار گرفته رو بفرار نهاده بودند، نزد صاحب جان بکوتی باغچه رفته او را نزد رئیس جمهور فرستادند. رئیس جمهور با شتیدن سخنان صاحب جان به او هدایت داد بیرق سفید را بر ارگ پرو بالا کن. قرار اظهار پسر چارده ساله نواسه دختری محمد داود خان که گفت من از تشناب برآمدم که بابایم سر دروازه بعد مرخص شدن صاحبجان، تفنگچه را از جیب پتلون خود کشیدم در شقیقه خود گذاشت خود را کشت بعد که همه اعضای فامیل بدور میت در چیغ و فریاد بودند سه نفر ضابطان مسلح بشتیدن فیر آمده همه را زیر



### نقل قول از داوود غازی در کتاب غوث الدین فایق

این سند توسط داوود ملکیار جعل شده است. این متن در اصل کتاب به این شکل وجود ندارد.

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

متن عمداً منتاژ شده است. توجه بفرمایید به اصل سند.

عساکر دریشی را از تن بدر کرده سلاح را گذاشته فرار کرده و آنها بیکه مانده اند مهمات وجبهه خانه شان خلاص شده مقاومت بیشتر ما بی فایده است.

قبل از این هم چند نفر افسر کمونست مسلح نزد ریس جمهور رفته گفته بردند ما به امر شورای انقلابی آمده ایم شما از مقاومت دست کشیده و به شورای انقلابی تسلیم شوید. آنها مورد قهر و غضب ریس جمهور قرار گرفته رو به فرار نهاده بود. حالا که صاحبجان را فرستادند ریس جمهور به صاحب جان هدایت داد که برو بیرق سفید را بر فراز ارگ بالا کن و خودش تفنگچه را از جیب پتلون کشید به شقیقه خود فایر نمود.

قرا ر اظهار پسر چهارده ساله نواسه رختری اش گفت من در تشناب صدای فایر را شنیدم وقتی که برآمدم دیدم بابایم بدهن دروازه افتاده و همه اعضای قامیل به دور میت دویده به چیخ و فریاد بودند که در این اثنا سه نفر ضابتن مسلح از بیرون آمده همه کسان دور میت را زیر رگبار مسلسل کلاشینکوف قرار دادند. نه به طفل رحم کردند نه به سر سفید و مو سفید هفتاد نفر عضای خاندانی را یکجا به شهادت رسانیدند.

چنانچه خود متوجه شده‌اید در اصل سند هرگز از زبان نواسه داوود خان نقل نشده که او گفته باشد بابایم تفنگچه را از جیب خود کشیده در شقیقه خود گذاشت.

با این جعل کاری بی کاملاً عیان، جایی برای اعتماد به ، هیچ گفته ، آقای داوود ملکیار باقی نمی ماند. و اما در مورد ادعای آقای غوث الدین فایق

در مورد ادعای اینکه داوود خان تفنگچه اش را از جیب پتلونش کشیده و بر خود فیر می کند.

یک واقعیت مسلم این است که صاحب منصبی، به نام امام الدین با افرادی پیام شورای انقلابی را مبنی بر تسلیم شدن داوود خان به او ابلاغ میکند.

واقعیت مسلم دیگر این است که داوود خان تسلیمی را رد نموده و با تفنگچه دست داشته اش ، امام الدین را مصدوم می نماید. این حقیقت را شخص امام الدین، بار بار بیان داشته است. جراحاتش مصداق گفته هایش می باشد.

اعضای رهبری بی حزب که در آن شب فاجعه آفرین در رادیو افغانستان حضور داشتند، بشمول تنی ، قوماندان آن شب در عملیات ارگ، هم این موضوع را تأیید می کنند. این افراد ، همه در یک مورد متفق القول هستند که امام الدین توسط مرمی های داوود خان زخمی شده بود. پس در این که امام الدین توسط مرمی بی تفنگچه توسط داوود خان زخمی شده است ، جای شک باقی نمی ماند.

حالا، چقدر منطقی به نظر می آید ، اگر فکر کنیم که ، داوود خان، بعد از فیر و زخمی ساختن یکی از افسران، تفنگچه اش را اول در جیب پتلون خود گذاشته و بعداً دوباره بیرون می آورد و به خود فیر می کند؟

باز کدام عقل سلیم می تواند باور کند که صاحبمنصبان و عساکری که با امام الدین یکجا بودند ، با وجود دیدن زخمی شدن قومندان شان ، از طرف داوود خان ، دست زیر الاشه بایستند و منتظر باشند تا داوود خان اول تفنگچه اش را در جیب پتلون بگذارد باز دوباره بکشد و خود را بزند؟

خنده دار تر این است که این ادعا از جانب کسی صورت گرفته که خودش نه تنها حاضر صحنه نبوده حتی در کابل هم تشریف نداشته و در جنوبی بوده است.

این هم نتیجه بررسی استخوان‌های فقید داوود خان، «دکتور فیض الله کاکر دستیار وزیر صحت عامه و گرداننده کمیسیون گفت: "چندین ماه سپری شد تا استخوانها بازشناسایی گردند..... در فرجام محمد داوود نیز به کمک قالب دندانها و قرآن مجید کوچک زرینی که همواره آن را لای کیسه درون کرتی بالای سینه اش سنجاق میکرد، شناسایی گردید. ... به گفته دکتور کاکر، از بررسی استخوانها برمی آید که رییس جمهور گلوله باران گردیده و عمر پسرش با دو گلوله کشته شده بود.»

[kabulnath.de](http://kabulnath.de) 23 بخش/صیور الله سیاه سنگ/بخش 23

این هم عکس دیگری از روز نامه اطلاعات در مورد کودتا

**سردار داود خان و خانواده اش  
بچنگ کودتا چیان افتادند  
و ممکن است  
کشته شده باشند**

**فوق العاده  
اطلاعات**

**در رژیم افغانستان با کودتای  
خوتین نظامی سرنگون شد**

<p><b>هوایماها وانتکها کاخ رئیس جمهوری، وزارت دفاع و فرودگاه را به موشک و توپ بستند</b></p>	<p>* <b>تاج رئیس جمهوری را به ماری مشرف پانزده نفر فرز گرفت و حکومت کرد معاذ الله برادر شکتند</b></p> <p>* <b>وادیو کان ایام کوهر را مرتا برین ماری فرسود بشیرین مکتولان و سجدها در آن وقت باز بانتند</b></p> <p>* <b>وادیو کودتا را بر بمبافتن نظامی ایر-کیمبرو دانوستان برای خوتین افغانستان مخبر شدند</b></p>	<p><b>شورای انقلابی نظامی حکومت را بدست گرفت و اعلام کرد از لحاظ خارجی سیاست عدم تعهد و از نظر داخلی قوانین اسلامی را رعایت میکند</b></p>	<p><b>دیروز کابل صحنه شدید لرین جنگ های نظامی بود و صدها کشته در حیابان های این شهر بزرگین افتاده است</b></p>
---	--	---	---

مخبر: در روزهای اخیر، در کابل و در نزدیکی کابل، در جریان کودتای نظامی، صدها کشته شدند. در این میان، سردار داود خان و خانواده اش نیز در میان کشته شدگان به شمار می آید. این واقعه در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۵۷ در کابل رخ داد.

در این تصویر، صحنه‌ای از درگیری در کابل دیده می‌شود. افراد با سلاح‌های گوناگون در حال مبارزه هستند. دود و آتش در پس‌زمینه مشهود است.

پایان.

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورلو مخکې په خیر و لولئ